

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

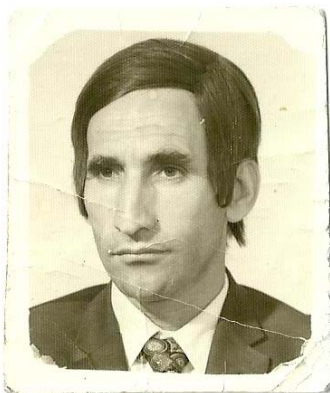
afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

میرویس ودان محمودی

۰۱ دسمبر ۲۰۱۲



موسی در اوج قله شرافت ایستاد

و به خاطر میهن، مردم و اندیشه اش جان داد

موسی در اوج شرف و افتخار جان داد و تسلیم سوسیال فاشیسم روسی و مرتجعان خلقی و پرچمی و خادی نشد! بله وی قهرمانانه با شرف و افتخار در بلند ترین نقطه تاریخ ایستاد و تا آخر هم پائین نیامد و در اوج بلندیهای غرور به جاودانگی تاریخی پیوست، ستاره گشت و در آسمان میهن آزادگان چشمک زنان امید فردای روشن می دهد..

موسی فرزند احمد الله ولد صوفی محمد الله از مردمان سرشناس و بومی کابلستان بود. موسی این قهرمان بی بدیل در کوچه قدیمی کابل (بارانه) در یک فامیل مرفه در ۱۳۲۴ خورشیدی به دنیا آمد. لیسه عالی حبیبیه را تمام کرد و شامل فاکولته حقوق گردید و در رشته حقوق بین الدول لیسانس را به دست آورد. دولتهای فاسد کمپرادور به جای وزارت خارجه وی را در احصائیه مرکزی به کار گمارید و در هر شهر و روستا که اعزامش کرد وی با جبین گشاده قبول نمود.

وی از رفقاء و همزمان زنده یاد مجید قهرمان بود و در پروسه ایجاد سامای انقلابی کار و پیکار نمود و چه جانانه و بی باکانه رزمیدد.

در هر جایی که دولتهای وقت فرستادش، اخلاق انقلابی اش خیلی جوانان را در صف شعله جاوید و بعداً ساما کشانید وی دارای تربیت عالی فامیلی و دارای تربیت اصولی و انقلابی بود، در دوران مکتب تحت تأثیر افکار شعله جاوید قرار گرفت و تا جان در بدن داشت پروانه وار به دور شمع فروزان شعله جاوید عاشقانه چرخید و عاشقانه مرگ را پذیرا گشت.. موسی مشهور به (مامد- محمد) را در حصه دوم کارته پروان مردم عوام وی را به نام یک (شعله ئی) می شناختند و از خصائل و مشخصه های اخلاقی وی نهایت تمجید می کردند!

یک حقیقت را باید بگویم که همچو موسی انقلابی به ندرت پیدا می شد و می شود. مردی که همه هستی اش را فدای اندیشه و مردمش کرد و سر انجام به خاطر مردم به دست جلادان قرن اسیر و شکنجه گشت و بالاخره به دستان کثیف قاتلان سیدال سخندان نامردانه به جاودانگی تاریخی پیوست.

موسی مردی بود که در سراسر افغانستان سفر کرد و آرمان و اهداف شعله جاوید را تبلیغ نمود و صد ها نفر را از هر قشر جامعه جذب شعله جاوید ساخت. موسی در زمان تجاوز روسها عملاً به فعالیت های نظامی و چریکی پرداخت و تا جان در بدن داشت رزمید. برایش پیامی به کابل فرستادم که شرایط را برایش فراهم می دارم که برای مدت زمانی به خارج به سر برد؛ وی در جواب نوشت: من فرزند این سرزمینم و تا که توان دارم به خاطرش می رزمم و آرزو دارم که در آغوش مردمم بمیرم و از من خواست تا دو باره به میهن بر گردم. دو هفته بعد از رسیدن نامه اش به من، پیام شهادتش قلب حزینم را لرزاند و تا که نفس می کشم راهش را تا سرحد مرگ ادامه می دهم.

می توان خیل کمی از انقلابیون را مثال زد که چون موسی بودند و یا باشند. این که رفقای نیمه راه و فراموشکارش به هر دلیلی که بوده از وی و کارنامه هایش تا حال یاد نکرده اند، چیزی از وی نمی کاهد در عوض به ما و آنها ی دیگری که از وی و سایر قهرمانان گمنام کشور شناخت داشته و یا هم دارند، فریاد می زند تا خود قلم برداشته نه تنها تجلیل از شهداء را از انحصار تئی چند که در عظمت و بزرگی آنها جای شکی وجود ندارد، بدر آوریم، بلکه با معرفی هر جانباخته به دنیا اعم از دوست و دشمن ثابت نمائیم که فرزندان حماسه و خون، هم پیش از رهبران خود با استواری تمام مرگ را پذیرا گردیده اند و هم بعد از به خون تپیدن آنها.

بگذار عده تحت نام و اندیشه مجید بزرگ به راه و رسم مجید قهرمان خیانت کنند،

بگذار عده ای تحت نام ساما بوت پاکی ناتو و آمریکا و دولت ارتجاعی کرزی را نمایند.

بگذار با خزیدن در زیر چتر نامهای بزرگی چون مجید و یا اکرم به افکار سکتاریستی، محلیگرائی و لسانی دامن زنند.

اما بدانند که راه کج به منزل نمی رسد و فردا آنها در پیشگاه مردم و پیشگاه انقلابیون باید جواب نامردیهای شان را بدهند. از آنانی که که هنوز به سامای انقلابی وفا دارند از جنگ زرگری بر حذر کنند و صفوف شان را در هر کجائی که هستند متحد گردانند. تنها میکنم وقت آن فرارسیده است که صف شانرا از رفقای نیمه راه، تسلیم طلب و خائن جدا سازند و راهی را که مجید بزرگ ترسیم کرده بود باید بالای آن راه پا فشاری کرد و حرمتی گذاشت به آرمان والای شهدای کبیر سامانی و دیگر انقلابیون مربوط سازمان جوانان مترقی و جریان شعله جاوید.

بیائید همنا و همصدا تحت یک درفش به خاطری رهائی کشور و ایجاد جامعه عاری از ستم ملی و طبقاتی مبارزه کنیم و در ساختمان سرزمین ویران شده مان و ایجاد یک افغانستان نوین استوارانه تلاش ورزیم و وظیفه میهنی و انقلابی خود را به شکل شائسته انجام دهیم و دستان ارتجاع منطقه ئی و فرمانطقه ئی و باداران امپریالیستی اش را از سر نوشت میهن و مردم برای ابد کوتاه سازیم.

موسی قهرمان!

قولی را که برایت داده بودم که تا واپسین نفس همرايت خواهم بود، توانستم با افت و خيز و کمبودی ها، تهمت‌ها و ترور شخصیت‌ها با بر افراشته نگه‌داشتن درفشی را که از شش سالگی به دستم داده بودی، تا اینک سرفرازانه جهت تحقق آن مبارزه نمایم. و آرزومندم که تا به آخر به شانۀ کشم و در راه آرمان والایت که آبادانی کشوری جفا دیده ات و آرامی مردم ستمکشیده و درد دیده ات بود از نثار خون ناچیزم دریغ نورزم.

ای مردی مردانه

ای بزرگمرد

روح شاد و خاطرۀ تابناکت چراغ رهگشای ما باد!

خواهر زاده درد و بلا دیده ات

میرویس ودان محمودی